

بررسی رشد صنعتی ایران: راهبرد توسعه صادرات صنعتی

دکتر حمیدرضا شرکاء*

بیژن صفوی**

چکیده

رشد درون‌زا، به عنوان اهرم اساسی رشد و توسعه صنعتی - اقتصادی کشورهای جهان به شمار می‌رود. در این راستا، با توجه به رشد نسبی صادرات غیرنفتی کشور در سالهای اخیر، تعیین میزان رشد صنعتی ایران از مجرای توسعه صادرات بخش مذکور ضرورت دارد. در تحقیق حاضر، پس از مروری بر مباحث نظری راهبردهای تجاری، سیاستهای بازرگانی، ارزی و صنعتی ایران و نیز وضعیت بخش صنعت کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی: میزان رشد صنعتی ایران از مجرای توسعه صادرات با استفاده از فرم تعدیل شده مدل چنری، به تفکیک ۹ زیربخش صنعت و در کنار سایر منابع رشد صنعتی اندازه‌گیری شده است. نتایج کار نشان می‌دهد که رشد بخش صنعت ایران عمدتاً متکی به گسترش تقاضای داخلی می‌باشد. همچنین اثر توسعه صادرات صنعتی بر رشد بخش صنعت، طی دوره (۱۳۵۸-۶۸) منفی بوده، لیکن برای دوره (۱۳۶۸-۷۲) یعنی سالهای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، این اثر اگرچه از سهم نسبتاً ناچیزی برخوردار است، اما مثبت می‌باشد. در خصوص زیربخشهای صنعت کشور از این دیدگاه، گروه صنایع چوب، صنایع غذایی، صنایع ماشین‌آلات، صنایع شیمیایی و صنایع نساجی، به ترتیب بیشترین میزان رشد را از کانال توسعه صادرات صنعتی دارا بوده‌اند، لذا این صنایع بایستی در برنامه‌ریزیهای بلندمدت کشور از اولویت ویژه‌ای برخوردار باشند.

* عضو هیأت علمی و رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی
** پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

۱. مقدمه

پایان پذیر بودن منابع نفت و گاز و عدم قابلیت اتکای دایمی به آنها و نیاز به ارز از یک سو، و لزوم صنعتی شدن و نیل به توسعه اقتصادی از سوی دیگر، شناخت راههای علمی و عملی رشد تولیدات صنعتی کشور را اجتناب ناپذیر نموده است. تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برنامه‌های توسعه کشور و حصول توسعه پایدار و رشد درون‌زا نیز در گرو شناخت جایگاه و کارکرد واقعی این بخش می‌باشد. در این راستا، تشخیص اهمیت صادرات محصولات صنعتی و نقش و تأثیر آن بر رشد بخش صنعت، و تعیین میزان کمک صادرات صنعتی و راهبرد توسعه صادرات صنعتی به رشد بخش مذکور حایز اهمیت است. از اینرو، سعی مقاله حاضر بر آن است تا با شناخت ابعاد یاد شده و مقایسه با دیگر منابع رشد صنعتی، راهبردهای مشخصی را ارائه دهد.

۲. سابقه تحقیق

در زمینه توسعه صادرات صنعتی، تحقیق‌های زیادی در جهان انجام شده است ولی در مورد ایران تحقیقی که دربرگیرنده ابعاد یاد شده باشد، به استثنای مطالعه کاووسی^۱ (۱۹۷۷-۱۹۶۳)، مطالعه‌ای صورت نگرفته است. ایشان صرفاً اثر منابع رشد صنعتی را بر رشد کل بخش صنعت کشور به‌طور کلی آزمون نموده ولی در مورد زیربخش‌های نه (۹) گانه آن که در این پژوهش به تفکیک بررسی خواهند شد، اشاره‌ای نکرده است.

نتایج اندازه‌گیری آقای کاووسی نشان می‌دهد که در طول دوره (۱۹۷۰-۱۹۶۳)، جانشینی واردات به میزان کمی به رشد صنعتی کمک نموده لیکن در دوره (۱۹۷۰-۷۷) این میزان کمک منفی شده است. به همین ترتیب، تغییر در ساختار تقاضای داخلی^۲، اثر مشابهی بر رشد بخش صنعت داشته است. توسعه صادرات صنعتی نیز در دوره اول اثر بسیار محدودی بر رشد بخش صنعت برجای گذاشته است و نهایتاً در دوره دوم، این اثر صفر شده است. بنابراین، رشد بخش صنعت صرفاً به افزایش تقاضای داخلی^۳ مربوط می‌شده است.

۳. فرضیه تحقیق

صادرات محصولات صنعتی در طی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، به‌رغم اینکه اثر مثبتی بر رشد بخش صنعت داشته، به میزان نسبتاً ناچیزی به رشد این بخش کمک کرده است.

1. Rostam M.Kavoussi

2. Change in Structure of Domestic Demand

3. Expansion of Domestic Demand

۴. روش تحقیق و تکنیک اجرایی

روش تحقیق مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، جمع‌آوری، تعدیل و تفکیک آمار و اطلاعات موردنیاز و پردازشهای لازم آنها می‌باشد. همچنین از بسته نرم‌افزاری کوآتروپرو^۴ استفاده شده است.

۵. دامنه تحقیق

این مطالعه، سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۵۸) را در بر می‌گیرد. این دوره ۱۵ ساله به دو دوره (۶۸-۱۳۵۸) و (۷۲-۱۳۶۸) تقسیم می‌گردد.

۶. معیار و مبنای بررسی

تحقیق حاضر براساس کارگاههای بزرگ صنعتی با دهنفر کارکن و بیشتر بنا شده است. اساس تقسیم‌بندی بخش صنعت کشور مبتنی بر طبقه‌بندی بین‌المللی برحسب کدهای^۵ (ISIC) می‌باشد، طبق این طبقه‌بندی بخش صنعت شامل ۹ زیربخش بوده و در آن، فصول تعرفه با کدهای (CCCN) برای هر زیربخش تطبیق داده شده است. مدل مورد بررسی و داده‌های موردنیاز، هر دو بر اساس این طبقه‌بندی، جمع‌آوری و تفکیک گردیده‌اند. این تقسیم‌بندی در صفحه بعد طی جدول شماره (۱) آرایه شده است.

۷. مروری بر راهبردهای تجاری

در قالب مبانی نظری، دو راهبرد عمده تحت عناوین جایگزینی واردات^۶ و توسعه صادرات^۷ مطرح است. مطابق تعریف باگواتی^۸، سیاست جایگزینی واردات ازجمله راههای توسعه اقتصادی - صنعتی به شمار می‌رود که در چهارچوب راهبردهای درون‌گرا قرار می‌گیرد. این سیاست که طی آن یک کشور اقدام به مهیا نمودن بستری مناسب برای صنعت خود می‌نماید، به جای واردات، خصوصاً واردات محصولات صنعتی، به ایجاد صنایع لازم به‌منظور تولید داخلی آن محصولات، اقدام می‌کند. به عبارت دیگر طی این راهبرد، کشور می‌کوشد با انجام تولید داخلی، جای کالاهای وارداتی را پر نماید و نهایتاً خود را از واردات بی‌نیاز کند.^۹ سیاست جایگزینی واردات، به شکل کاربردی و عملی، عمدتاً از دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ گسترش یافته است زیرا کاهش تقاضای جهانی برای کالاهای اساسی و مواد خام، کسری روزافزون تراز پرداختهای کشورهای در حال توسعه و ایده‌نهادهای بین‌المللی مبنی بر صنعتی شدن این کشورها از

4. Quatropro

5. International Standard Industry Classification

6. Import substitution strategy

7. Export promotion strategy

8. Bhagwati

9. Meier, G. Leading Issues in Economic Development, 1984

جدول ۱- اساس تقسیم‌بندی بخش صنعت

ملاحظات	کد CCCN	کد ISIC	شرح یا عنوان صنعت بر اساس طبقه‌بندی ISIC
فصل ۱۵ به‌استثنای چوب و الکل صنعتی و گلیسرین	فصل ۲، ۴، ۵، ۷، ۹ ۱۱، ۱۶، ۱۷ ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ ۲۳، ۲۴	۳۱	۳۱- صنایع غذایی، آشامیدنی و دخانیات
به‌استثنای پبله کرم‌ابریشم	فصل ۴۱، ۴۲، ۴۳ ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵ ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱ ۶۲، ۶۴، ۶۵	۳۲	۳۲- صنایع نساجی، پوشاک و چرم
	فصل ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷	۳۳	۳۳- صنایع چوب و محصولات چوبی
	فصل ۴۷، ۴۸، ۴۹	۳۴	۳۴- صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی
	فصل ۲۷ (سوختهای معدنی، روغنهای معدنی) ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹ ۴۰	۳۵	۳۵- صنایع شیمیایی و زغال سنگ و لاستیک و پلاستیک
غیرازنمک خوراکی	فصل ۲۵، ۲۶، ۲۸ ۲۹، ۶۹، ۷۰	۳۶	۳۶- صنایع محصولات کانی غیرفلزی (غیر از نفت و زغال سنگ)
	فصل ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶ ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱	۳۷	۳۷- صنایع تولید فلزات اساسی
	فصل ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵ ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱	۳۸	۳۸- صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی
	فصل ۶۶، ۷۰، ۹۲، ۹۵ ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹	۳۹	۳۹- سایر صنایع تولیدی (صنایع متفرقه)

طریق سیاست مذکور، منجر به شدت کاربرد این سیاست در دو دهه مذکور شد. این سیاست، در کشورهای اروپایی و کشورهای بزرگ صنعتی نظیر انگلستان، از بدو انقلاب صنعتی، و در کشورهای جهان سوم از قبیل برزیل و هند، بعد از جنگ جهانی دوم و به دنبال استقلال سیاسی و نیل به خودکفایی اقتصادی، به کار گرفته شده است.

اتخاذ این راهبرد، با وضع محدودیتهای گمرکی، سهمیه‌بندی واردات کالاهایی معین و تلاش برای ایجاد صنایع نوزاد به منظور تولید کالاهایی که قبلاً وارد می‌شده است، همراه است. تاریخ تجارت نشان می‌دهد که تداوم سیاست جایگزینی واردات عمدتاً به منظور تأمین تراز پرداختها صورت می‌گرفته است و با هدف صنعتی شدن یک کشور، فقط در برخی از کشورها موفقیت‌آمیز بوده است و در بیشتر کشورها، نتیجه رضایتبخش نداشته است.

هرگاه نرخ واقعی ارز برای صادرات بزرگتر از آن برای واردات باشد، نشان از تحقق توسعه صادرات دارد. سیاست توسعه صادرات (تشویق صادرات) در چهارچوب راهبردهای برون‌گرا می‌گنجد. توسعه صادرات عبارت است از صادرات محصولات غیرسنتی اعم از کالاهای اولیه، نیمه ساخته و کالاهای ساخته شده صنعتی، به طوری که جانشین صادرات کالاهای سنتی اولیه قرار گیرند. توسعه صادرات، معرف گرایش به تجارت آزاد و تجارت بین‌المللی می‌باشد. این سیاست نشان می‌دهد که یک کشور تا چه میزان متوجه بازارهای جهانی و تابع نیازها و تقاضای خارجی است. توسعه صادرات، عامل تقویت تجارت آزاد خارجی می‌باشد. بنابر نظریه کلاسیکها، تجارت آزاد باعث هدایت تولید و تخصیص منابع در جهت کالاهای با مزیت‌نسبی می‌شود و چون رشد صنعتی در جهت استفاده بهینه از منابع تولید و در قالب بازارهای جهانی به دست می‌آید، توأم با کارایی اقتصادی است و منجر به ایجاد تخصص می‌شود، که این تخصص می‌تواند با آموزشهای علمی، کاربردی لازم توأم شده و زمینه‌ساز توسعه اقتصادی گردد. امروزه این سیاست به راهبرد تلاش برای صادرات با کمترین هزینه ممکن و جایگزین شدن صادرات محصولات صنعتی به جای صادرات محصولات سنتی، تعمیم یافته است. در قالب این سیاست، یک کشور باید به صادراتی روی آورد که در آن به طور بالقوه مزیت‌نسبی داشته باشد، یعنی آن دسته کالاهایی که قادر است مطابق استانداردهای جهانی و با هزینه نسبی کمتر تولید بنماید.^{۱۰} منظور از توسعه صادرات، توسعه صادرات محصولات غیر سنتی و عمدتاً صادرات کارخانه‌ای در چهارچوب رشد و توسعه صنعتی است، لذا سیاست توسعه صادرات عمدتاً متوجه توسعه صادرات کالاهای ساخته شده صنعتی (محصولات کارخانه‌ای)^{۱۱} می‌باشد. توسعه صادرات، به عنوان یک سیاست تجاری، اساساً توسط کشورهای تایوان، کره جنوبی، هنگ‌کنگ و سنگاپور در راستای مزیت‌های نسبی این کشورها و عمدتاً با تکیه بر صنایع کاربر، در پیش گرفته شده است. ابزار این راهبرد عبارتند از آزادسازی واردات، واقعی کردن نرخ ارز، ایجاد

10. Meier, G. Leading Issues in Economic Development, 1984

11. Manufactured Goods

انگیزه‌های قوی برای صادرات و دستیابی به قیمت‌های مناسب برای عوامل تولید به نحوی که اقتصاد کشور بتواند با بهره‌گیری بهینه از مزیت‌های نسبی موجود توسعه یابد.

اتخاذ راهبرد توسعه صادرات مستلزم ایجاد بستری مناسب و کارآمد می‌باشد و کشورهایی که در این زمینه موفق بوده‌اند، اغلب مرحله جایگزینی واردات را به خوبی سپری کرده‌اند.

۸. اشاره‌ای مختصر به سیاست‌های بازرگانی، ارزی و صنعتی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصولاً سیاست‌های بازرگانی، ارزی و صنعتی دولت متحول گردید و اساس این سیاستها بر نظارت و کنترل بازرگانی خارجی و ورود و خروج ارز مبتنی بود. وقوع مسأله تحریم اقتصادی، گروگان‌گیری و سپس جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مانع از اجرای برنامه مدونی برای کشور شد. در این دوران (تا سال ۱۳۷۲) سیاست بازرگانی کشور عبارت بود از سیاست جایگزینی واردات، که همزمان با برنامه سوم عمرانی قبل از انقلاب، به شکل مدون برای کشور در نظر گرفته شد. با پایان گرفتن جنگ تحمیلی و اجرای اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران (۱۳۶۸-۷۲)، سیاست بازرگانی کشور تلفیقی از راهبردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات بود. سیاست جایگزینی واردات و اهرم‌های وارداتی برنامه توسعه کشور، عمدتاً محدود به حمایت^{۱۲} از تولید محصولات داخلی بوده است. با آغاز برنامه اول توسعه کشور، صادرات و گسترش آن با اهداف کمی و کیفی در نظر گرفته شد و اقدام به ایجاد تسهیلات و تمهیداتی در این خصوص گردید. در راستای این سیاست، اهدافی از قبیل کمک به تقویت بنیه اقتصادی کشور، بهبود کیفیت محصولات صادراتی و ... مورد توجه قرار گرفت. در ارتباط با واردات نیز اهدافی چون تأمین به‌موقع نیازهای وارداتی کشور در قالب برنامه، بهبود رابطه مبادله و ... دنبال شد.

در طی دوره مذکور توجه به جایگزینی واردات و توسعه صادرات، در چهارچوب مزیت‌های نسبی^{۱۳} کشور منظور نظر بوده است و به این جهت، علاوه بر خط مشی کلی حاکم بر برنامه، سیاستها و اهرم‌های خاصی نیز اعمال شده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست‌های ارزی کشور عمدتاً در سه بخش: ۱- سیاست‌های تشویقی ۲- سیاست‌هایی که هدف آنها کاهش تقاضا برای ارز است ۳- سیاست‌هایی که ورود و تحویل ارزهای حاصل شده را در کنترل بانک مرکزی قرار می‌دهد، اعمال گردیده است. در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در برنامه اول توسعه، برای اولین بار در تاریخ صنعتی کشور، رشد صنعتی به صورت منسجم مدنظر قرار گرفت است. در سالهای قبل از برنامه اول توسعه، جهت‌گیری تصمیم‌های مربوط به این بخش صرفاً

متمرکز بر روی خود بخش صنعت بوده است، بدون آنکه توجهی جدی به عوامل بیرونی بخش شده باشد. مهمترین سیاستهای صنعتی^{۱۴} که مورد توجه جدی واقع شده‌اند، عبارتند از: کاهش سهم و نقش دولت در تولید و سرمایه‌گذاریهای صنعتی، تقویت فن‌آوری صنعتی کشور، عقلایی کردن نظام صنعتی کشور به همراه بهینه‌سازی سازماندهی صنایع کشور، تلاش برای بازگذاشتن فضای سرمایه‌گذاری و حذف محدودیتها و ملاحظات غیرکارا از قبیل موافقت اصولی، توجه خاص به گسترش صادرات صنعتی کشور، تأکید و تلاش در جهت رسیدن به یک رشد خودنگهدار و درون‌زای صنعتی که متکی به پویاییهای درونی خود باشد، تأمین عدالت اجتماعی به مفهوم بهبود توزیع درآمد و ارتقاء رفاه اجتماعی.

۹. نگاهی به وضعیت بخش صنعت کشور و رشد آن

بررسی تجربه صنعتی جهان و مقایسه آن با صنعت ایران نشان می‌دهد که در دو دهه اخیر، به رغم سرمایه‌گذاریهای زیاد دولت در واحدهای بزرگ صنعتی از قبیل فولاد، پتروشیمی، مس و ماشین‌سازی، همچنان رشد صنعتی کشور در مقایسه با کشورهای موفق دنیا بسیار کم بوده است، به طوری که هرگز نتوانسته در نقش یک بخش پیش‌تاز^{۱۵} با رشد مستمر و بالا، سهم خود را در تولید ناخالص داخلی افزایش دهد و زمینه رشد سایر بخشها را فراهم آورد. رشد پایدار صنعت ایران نمی‌تواند با تزریق درآمدهای نفتی به بخش صنعت تحقق یابد. این بخش به رغم برخورداری از دلارهای نفتی، نتایج رضایتبخشی دربر نداشته و حتی نرخ رشد آن در دو دهه گذشته روند کاهشی داشته است. در حقیقت، صنعت ایران قادر به دستیابی به یک رشد درون‌زا و مستمر نبوده است. در دوره بیست ساله (۱۳۳۷-۵۶) سرمایه‌گذاری صنعتی به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱ تقریباً ده برابر و سهم ارزش افزوده این بخش در تولید ناخالص داخلی از حدود ۴ درصد به ۲۳ درصد افزایش یافته است. لیکن از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، کلیه متغیرهای اقتصادی مربوط به بخش صنعت نوساناتی نسبتاً شدید را تجربه نموده و همین امر هرگونه جهت‌گیری و بهره‌برداری بهینه از امکانات و فرصتها را مشکل نموده است.

سیاستها و برنامه‌های حاکم بر بخش صنعت کشور، بیشتر دنباله‌رو سیاستها و برنامه‌های گذشته بوده است و یا به‌منظور پاسخگویی به شرایط اضطراری (وقوع جنگ تحمیلی و ...) طراحی و اجرا شده است. سهم بخش صنعتی در سرمایه‌گذاری ملی بسیار اندک و تحت تأثیر کاهش بهره‌وری سرمایه‌های موجود و کاهش انگیزه پس‌انداز، دچار نوسان و تزلزل بوده است. در سرمایه‌گذاریهای انجام شده در بخش صنعت، سهم سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات، هم از جانب دولت و هم بخش خصوصی نسبتاً پایین و همراه با نوسان بود. این سهم خصوصاً به دلیل نوسان شدید سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، آسیب پذیر بوده است.

ارزش افزوده بخش صنعت متناسب با سرمایه‌گذاری انجام شده افزایش نیافته است و بهره‌وری آن نیز به شدت کاهش داشته است، به نحوی که در طی سالهای (۵۵ - ۱۳۳۸) که افزایشی معادل سه برابر نشان می‌داد، در سال ۱۳۶۱ به میزان خود در سال ۱۳۳۸ تنزل پیدا کرد.

اتکای بخش صنعت به ارز ارزان دولتی، توسعه صنعتی کشور را وابسته به واردات ماشین‌آلات، قطعات و کالاهای واسطه و مواد اولیه نموده است. به عبارت دیگر رشد صنعت کشور درون‌زا نبوده و زیربخشهای صنعت نیز در سرمایه‌گذاریهای داخلی، بهره‌ای از رشد بخش مذکور نبرده‌اند. سیاست صنعتی اعمال شده، به‌علاوه روشهای تشویقی چون واگذاری ارز با نرخ دولتی به دارندگان موافقت اصولی و ... به ایجاد اشتغال و درآمد و تولید متناسب با منابع مصرف شده، کمکی نکرده و منجر به اتلاف منابع در این بخش شده است.

با بررسی دوره‌های شکل‌گیری صنایع کشور، با توجه به تقسیم‌بندی بر مبنای اجزای تشکیل‌دهنده آنها، این نتیجه حاصل می‌شود که بین مجموعه صنایع کشور، پیوندهای لازم برقرار نمی‌باشد. توسعه بخش صنعت کشور با استفاده از الگوهای رشد وارداتی و با هدف همگرایی اقتصاد ایران با اقتصاد جهان سرمایه‌داری صورت گرفته است که در نهایت به چنین ساختار نامناسبی انجامیده است. صنایع کشور فاقد ارتباط درونی^{۱۶} با یکدیگر و با سایر بخشهای اقتصادی می‌باشند و مهمترین عامل در این زمینه علاوه بر عوامل دیگر، فقدان صناعی است که بتواند بین مواد معدنی و کشاورزی از یک طرف و صنایع سبک از سوی دیگر پیوند برقرار سازد.

تبدیل مواد معدنی علاوه بر نیاز به صنایع استخراجی، ذوب فلزات و صنایع تبدیلی، نیازمند صناعی است که قادر به ساختن ماشین‌آلات صنایع سبک با استفاده از مواد معدنی باشد و چرخه تولید به مصرف را درونی نماید. در زمینه تبدیل محصولات کشاورزی به مواد غذایی و مصرفی نیز، ماشین‌آلات تولیدی مورد نیاز است. بدین ترتیب ایجاد هرگونه صنعت، نیازمند پایه‌گذاری صنایع سنگین و توسعه کارخانه‌های ماشین‌سازی است.

بررسی تاریخی رشد صنعتی ایران نشان می‌دهد که اقتصاد ملی، از درآمدهای نفتی به عنوان مهمترین عامل تبعیت می‌نماید. این درآمدها از سه طریق، رشد اقتصادی - صنعتی را متأثر می‌سازد: ابتدا از طریق منعکس شدن در تراز پرداختها، درآمد ملی را افزایش می‌دهد. دوم، بخش اعظم بودجه دولت از محل این درآمدها تأمین می‌شود و سوم، با تزریق درآمدهای نفتی در اقتصاد از طریق تأمین مالی برای مصرف و سرمایه‌گذاری، موجب افزایش تقاضا می‌گردد.

بیشتر سیاستهای بازرگانی کشور با هدف صنعتی شدن، از طریق جایگزینی واردات اعمال می‌شده است، لیکن جایگزینی واردات در ایران به‌طور کامل به انجام نرسیده است. همچنین بررسی مطالعات انجام گرفته در زمینه این سیاستها نشان می‌دهد که سیاستهای حمایتی برای جایگزینی واردات منجر به

تخصیص غیرکارای منابع و زیان خالص اجتماعی شده است.^{۱۷}

درخصوص توسعه صادرات، سه مرحله مجزا در اقتصاد کشور قابل بررسی است. این دوره‌ها شامل دوران ملی شدن صنعت نفت، برنامه عمرانی پنجم و سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد. دوران ملی شدن صنعت نفت و دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جهت اینکه انگیزه فراهم آمده برای تشویق صادرات به واسطه تنگناها و مضیقه‌ها ارزی کشور می‌باشد، از روند تقریباً مشابهی برخوردارند. در دوره مربوط به برنامه پنجم عمرانی، صادرات صنعتی کشور بدون داشتن هیچگونه مزیت‌نسبی و صرفاً به واسطه انگیزه‌های قوی فراهم آمده توسط دولت، افزایش یافته است. نقص این سیاست در شرایط بروز شوک‌هایی که تنگناهایی را نیز به دنبال دارند، قابل تأمل است. مثلاً با پیروزی انقلاب اسلامی، سهم صادرات صنعتی در کل صادرات غیرنفتی به یکباره افت شدیدی یافت و این به روشنی نمایان‌کننده نقص سیاست مذکور می‌باشد.

به‌طور کلی، عملکرد صادراتی کشور به نحوی بوده است که صادرات صنعتی، متناسب با نیازهای اقتصادی کشور توسعه نیافته است و صادرات غیرنفتی همچنان به محصولات و کالاهایی که به‌طور سنتی و در طی قرون گذشته بازارهای معین و نسبتاً مطمئنی را در سطح جهانی دارا بوده‌اند، متکی باقی‌مانده است. بخش صنعت به‌رغم گذشت بیش از نیم قرن از پایه‌گذاری آن و با توجه به استهلاک بخش قابل توجهی از ماشین‌آلات و تجهیزات مربوطه، تاکنون قادر به نفوذ قابل استمرار در بازارهای جهانی نبوده است. با توجه به اینکه تولیدات صنعتی کشور وابستگی زیادی به واردات محصولات واسطه‌ای و نیز فن‌آوری وارداتی دارند، از این‌رو از حداقل منابع داخلی استفاده کرده (با کمترین $D.R.C.$ ^{۱۸}) که با توجه به سرمایه‌بر بودن اکثر صنایع کشور، صادرات این بخش قادر به برخورداری از مزیت‌نسبی نگردیده است. بنابراین، با توسعه صادرات صنعتی، با توجه به وجود ویژگی‌های ذکر شده، در نهایت وضعیتی پدید می‌آید که این صنایع به یک بخش جدا و بیگانه از سایر بخشهای اقتصاد تبدیل می‌شوند. چون به هیچ‌یک از بازارهای مصرف و بازار نهاده‌های داخل کشور اتکاء ندارند.

پس از انقلاب اسلامی، به‌ویژه در طی سالهای اجرای برنامه اول توسعه کشور، بخش صنعت تحرکی هر چند محدود در جهت گسترش صادرات داشته است و روند آن نسبتاً متفاوت از دوره‌های قبلی بوده است لیکن هنوز نتوانسته از امکانات بالقوه موجود حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد.

به‌منظور آزمون و تعیین نقش منابع رشد صنعتی در رشد بخش مذکور، مدل زیر را مورد بررسی قرار

می‌دهیم.

17. Tizhoosh-Taban, M.H., Protection and the Cost of Protection, A Case Study for Iran, Lancaster, May 1980.

18. Domestic Resource Cost

۱۰. مدل

برای آزمون نقش توسعه صادرات در رشد صنعتی ایران (۱۳۵۸-۱۳۷۲) نسخهٔ تعدیل شده مدل چنری^{۱۹} که منابع دیگر رشد صنعتی از قبیل گسترش تقاضای داخلی و جایگزینی واردات را نیز دربر دارد، به کار می‌بریم.

مدل موردنظر را با معادله زیر برای بخش "۱" در دوره "۲"، آغاز می‌نماییم:

$$X_i^t = (1 - m_i^t) D_i^t + E_i^t \quad (1)$$

$$m_i^t = \frac{M_i^t}{D_i^t} \quad (2)$$

X = ستانده

M = واردات

D = تقاضای داخلی^{۲۰}

E = صادرات

m = ضریب واردات (سهم واردات در تقاضای داخلی)

با تعریف جایگزینی واردات به عنوان کاهش در ضریب واردات، افزایش در تولید داخلی از یک دوره زمانی به دوره دیگر را به شکل زیر می‌نویسیم:

$$X_i^2 - X_i^1 = (1 - m_i^1)(D_i^2 - D_i^1) + (m_i^1 - m_i^2) D_i^2 + (E_i^2 - E_i^1) \quad (3)$$

این رابطه، افزایش ستانده را به سه اثر مختلف زیر، نسبت می‌دهد:

$$\begin{aligned} (1 - m_i^1)(D_i^2 - D_i^1) & \text{ سهم افزایش در تقاضای داخلی:} \\ (m_i^1 - m_i^2) D_i^2 & \text{ سهم جایگزینی واردات:} \\ (E_i^2 - E_i^1) & \text{ سهم توسعه صادرات:} \end{aligned}$$

به‌طور کلی، برای ترکیب رشد تولید در بخش کارخانه‌ای^{۲۱} دو دیدگاه مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

19. Hollis Chenery

21. Manufacturing Sector

۲۰. نهایی و واسطه‌ای

در روش اول، با جمع بستن اجزاء زیربخش‌ها^{۲۲}، رشد تولید بخش صنعت حاصل می‌گردد، که بدین ترتیب خواهیم داشت:

$$X^2 - X^1 = \sum_i (X_i^2 - X_i^1) = \sum_i (1 - m_i^1)(D_i^2 - D_i^1) + \sum_i (m_i^1 - m_i^2)D_i^2 + \sum_i (E_i^2 - E_i^1) \quad (۴)$$

X عبارت است از ستاده کل یا تولید در بخش کارخانه‌ای.

در روش دوم، تولید داخلی، واردات و صادرات در میان زیربخش‌ها (صنایع) جمع بسته می‌شوند و سپس برای محاسبه منابع رشد صنعتی (توسعه صادرات، گسترش تقاضای داخلی و جایگزینی واردات) مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، افزایش در ستاده کل چنین بیان می‌گردد:

$$(X^2 - X^1) = (1 - m^1)(D^2 - D^1) + (m^1 - m^2)D^2 + (E^2 - E^1) \quad (۵)$$

با توجه به اینکه:

$$X^t = \sum_i X_i^t$$

$$D^t = \sum_i D_i^t$$

$$M^t = \sum_i M_i^t$$

$$E^t = \sum_i E_i^t$$

$$m^t = \sum_i m_i^t$$

روابط (۴) و (۵)، عملاً نتایج کاملاً متفاوتی را برای بخشهای صنایع به دست می‌دهند و انتخاب از بین آنها دشوار است.

بهترین راه حل این مشکل، توسط گیلامونت^{۲۳} (گیلامانت) ارایه شده است. او استدلال می‌کند که عبارت $(m^1 - m^2)D^2$ معیار مناسبی برای تعیین اثر جایگزینی واردات نیست. زیرا ضریب واردات کل ($m = \frac{M}{D}$) می‌تواند تغییر نماید و پدیده متفاوتی ایجاد گردد. به عبارت دیگر با تغییر ضریب واردات، تولید داخلی برای واردات هر کالای تقاضا شده جایگزین می‌شود و تقاضاها با مقادیر متفاوت واردات، جایگزین می‌گردند. در این صورت، تغییر m نه تنها به عنوان یک نتیجه جایگزینی واردات در سطح

22. Subsectors

23. Guillaumont

بخشی مطرح می‌گردد، بلکه این نسبت بر ساختار تقاضا نیز اثر می‌گذارد. انتقال تقاضا از تولیداتی که اساساً به وسیله تولیدکنندگان داخلی عرضه شده‌اند، به سمت کالاهایی که به صورت اولیه از خارج به دست آمده‌اند، ضریب واردات را به طور کلی برای صنعت کارخانه‌ای (به عنوان مواد اولیه مورد نیاز صنایع کشور که وارداتی می‌باشند) افزایش خواهد داد؛ حتی اگر این نسبت برای هر زیربخش صنعت نیز بدون تغییر باقی بماند.

این مسأله، با نوشتن تغییر در ضریب واردات کل، می‌تواند به صورت زیر نشان داده شود:

$$m^1 - m^2 = \sum_i a_i^2 (m_i^1 - m_i^2) - \sum_i m_i^1 (a_i^2 - a_i^1) \quad (6)$$

که در آن a_i عبارت است از سهم زیربخش i در کل تقاضای داخلی برای تولیدات صنعتی ($a_i = \frac{D_i}{D}$). جمله اول در سمت راست معادله (۶)، نشان‌دهنده اثر جایگزینی واردات در سطح زیربخش می‌باشد و جمله دوم، اثر انتقال در ساختار تقاضا را نشان می‌دهد. گیلامونت، جایگزینی واردات را در سطح کل (کل بخش صنعت) چنین تعریف می‌کند: تفاوت بین ارزش ضریب واردات، چنانچه تولید اثری در تغییر ضریب واردات و ارزش واقعی آن نداشته باشد.

طبق این تعریف، جمله نخست در سمت راست معادله (۶) عبارت است از معیار جایگزینی واردات در سطح کل (صنعت). این نکته نیز بایستی مورد توجه قرار گیرد که مفهوم فوق با آنچه که در معادله (۴) به عنوان معیار جایگزینی واردات آمده است، نیز سازگار می‌باشد.

اگرچه معادله (۴) معیار صحیحی از جایگزینی واردات را ارائه می‌دهد، اما معیار سهم تقاضای نهایی در رشد صنعتی، تورش دارد. چون در معادله مذکور، گسترش تقاضا یا تغییر در ساختار تقاضا، ادغام شده است.

برای نشان دادن این مسأله، کاووسی جمله سمت راست معادله (۴) را به صورت زیر تفکیک نموده است:

$$\sum_i (1 - m_i^1) (D_i^2 - D_i^1) = (1 - m^1) (D^2 - D^1) - D^2 \sum_i m_i^1 (a_i^2 - a_i^1) \quad (7)$$

این فرمول نشان می‌دهد که حتی در صورت بدون تغییر ماندن تقاضای داخلی، اگر مصرف‌کنندگان تقاضای خود را از بخشی که ضریب واردات آن بالاست به بخشی که ضریب واردات آن پایین است، انتقال دهند، معادله (۴) افزایش در تولید کل صنعت را به گسترش تقاضا منتسب می‌کند.

استدلال فوق نشان می‌دهد که دلیل به دست آمدن نتایج متضاد از معادلات (۴) و (۵)، این است که هیچ یک از دو فرمول مذکور، اثر تغییر در ساختار تقاضا را به طور صریح به حساب نمی‌آورند. در فرمول (۴) این اثر با افزایش تقاضا ادغام شده و در فرمول (۵) با اثر جایگزینی واردات به هم آمیخته است.

در یک کشور در حال توسعه، در فرایند رشد صنعتی، تقاضا از بخشهایی مثل مواد غذایی و منسوجات که در آن ضریب واردات کم می‌باشد به زیربخشهایی نظیر لوازم خانگی و تجهیزات حمل و نقل که در آن ضریب واردات زیادتر است، متوجه خواهد شد. بنابراین، میزان کمک تغییر در الگوی تقاضای داخلی به رشد محصول صنعتی، احتمالاً منفی است. به این ترتیب، احتمالاً معادله (۴) میزان کمک تقاضا به رشد صنعتی را کم برآورد می‌نماید و معادله (۵) نیز اثر جانشینی واردات را کم برآورد می‌کند.

به منظور اجتناب از این تورشها، تعریفی را که گیلامونت از جانشینی واردات به دست داده است، به کار می‌بریم. به علاوه، در روش مذکور، اثر تغییر در الگوی تقاضای داخلی نیز منظور شده است. لذا با استفاده از معادله (۴) یا (۵) می‌توان نوشت:

$$X^2 - X^1 = (1 - m^1)(D^2 - D^1) + D^2 \sum_i a_i^2 (m_i^1 - m_i^2) - D^2 \sum_i m_i^1 (a_i^2 - a_i^1) + \sum_i (E_i^2 - E_i^1) \quad (8)$$

جمله اول سمت راست، کمک گسترش تقاضای داخلی به رشد صنعتی را نشان می‌دهد.

جمله دوم، معرف کمک جانشین واردات به رشد صنعتی است.

جمله سوم، نشانگر کمک تغییر در ترکیب تقاضا به رشد صنعتی است.

و جمله چهارم، کمک توسعه صادرات به رشد صنعتی را نشان می‌دهد.

حال، معادله (۴) را می‌توان برای تجربه رشد صنعتی در سطح زیر بخشها (سطح بخشی) به کار برد و

معادله (۸) را برای تجربه رشد صنعتی در سطح کل (کل صنعت) مورد استفاده قرار داد.

این نکته را باید یادآور شد که این دو مرحله (۴ و ۸) به شکل لاسپیرز^{۲۴} نوشته شده‌اند و شکل

پاشه^{۲۵} آن به ترتیب زیر می‌باشد:

$$X^2 - X^1 = (1 - m^2)(D^2 - D^1) + (m^1 - m^2)D^1 + (E^2 - E^1) \quad (9)$$

که برای زیر بخشها کاربرد دارد.

برای کل بخش صنعت نیز داریم:

$$X^2 - X^1 = (1 - m^2)(D^2 - D^1) + D^1 \sum_i a_i^1 (m_i^1 - m_i^2) - D^1 \sum_i m_i^2 (a_i^2 - a_i^1) + \sum_i (E_i^2 - E_i^1) \quad (10)$$

در شرایطی که هم گسترش تقاضا و هم جایگزینی واردات توأمان اتفاق افتاده باشند، فرمولهای

24. Laspeyers

25. Pasche

لاسیپرزو پاشه، نتایج کاملاً متفاوتی را به دست می‌دهند. برای اجتناب از تورش ناشی از انتخاب دلخواه بین این دو فرمول، نتیجه متوسط بدست آمده از هر دو فرمول ارایه می‌شود.

۱۱. آزمون مدل و تفسیر نتایج

نتایج مدل مزبور پس از آزمون طی جدولهای (۲) الی (۱۱) استخراج و خلاصه شده است. جدول شماره (۲)، حاوی میزان کمک و سهم منابع رشد صنعتی به رشد بخش صنعت کشور، به تفکیک در دو دوره (۱۳۵۸-۶۸) و (۱۳۶۸-۷۲) می‌باشد که در آن اثر افزایش تقاضای داخلی، اثر جایگزینی واردات، اثر تغییر ساختار تقاضای داخلی و نیز اثر توسعه صادرات صنعتی بر رشد بخش صنعت کشور، مشخص گردیده است.

در جدولهای شماره (۳) تا (۱۱)، اثر افزایش تقاضای داخلی، جایگزینی واردات و توسعه صادرات صنعتی بر رشد زیربخشهای (۹) گانه صنعت به ترتیب زیر مشخص و اندازه‌گیری شده است: صنایع غذایی، آشامیدنیها و دخانیات، صنایع نساجی، پوشاک و چرم، صنایع چوب و محصولات چوبی، صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی، صنایع شیمیایی، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک، صنایع محصولات کانی غیرفلزی، صنایع فلزات اساسی، صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی و صنایع متفرقه (سایر صنایع تولیدی).

۱-۱۱. بررسی و تفسیر نتایج مدل

۱-۱-۱۱. کل بخش صنعت کشور

بخش صنعت ایران در دوره (۱۳۵۸-۶۸)، ۴۵۷۲۴/۱ میلیون ریال و در دوره دوم (۱۳۶۸-۷۲) بالغ بر ۱۱۴۰۵۹۹/۳ میلیون ریال رشد داشته است. در دوره دوم مورد بررسی، رشد بخش صنعت از مجرای منابع رشد صنعتی در حدود ۲۵ برابر آن در دوره اول است.

میزان کمک گسترش تقاضای داخلی به رشد بخش صنعت، به ترتیب بیش از ۴۵۵۲۵۰/۹ میلیون ریال و ۱۱۳۵۴۹۹/۷ میلیون ریال بوده است. سهم این منبع در رشد صنعتی کشور، به ترتیب ۹۹/۰۶ درصد و ۹۹/۷۱ درصد می‌باشد. سایر منابع رشد صنعتی، مجموعاً در هر دو دوره، سهمی کمتر از ۱ درصد داشته‌اند. میزان کمک جایگزینی واردات به رشد بخش صنعت به ترتیب ۲۵۴۲/۴ میلیون ریال و ۴۰۹۶/۱ میلیون ریال بوده است. در دوره‌های موردنظر، به ترتیب ۰/۷۷ درصد و ۰/۳۶ درصد از رشد بخش صنعت ایران، از مجرای جایگزینی واردات انجام گرفته است.

جدول ۲- میزان و سهم منابع مؤثر در رشد صنعت کشور طی دوره ۱۳۵۸-۷۲
(به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱)

منابع	میزان کمک (ریال)		سهم (درصد)	
	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲
گسترش تقاضای داخلی	۴۵۵,۲۵۰,۹۹۷,۰۹۲	۱,۱۳۵,۴۹۹,۷۰۴,۴۱۶	۹۹/۵۶۴	۹۹/۵۵۳
جایگزینی واردات	۳,۵۴۲,۳۶۲,۳۸۱	۴,۰۹۶,۰۳۲,۲۶۴	۰/۷۷۴	۰/۲۵۹
تغییر در ساختار تقاضای داخلی	-۱,۱۷۱,۰۹۵,۲۲۸	۸۷۶,۶۶۳,۰۴۰	-۰/۲۵۶	۰/۱۷۷
توسعه صادرات	-۳۷۷,۲۲۲,۱۳۴	۱۲۶,۸۹۲,۹۴۲	-۰/۰۸۲	۰/۱۱۱
کل	۴۵۷,۲۴۵,۰۴۲,۱۱۱	۱,۱۴۰,۵۹۹,۲۹۲,۶۶۲	۱۰۰	۱۰۰

در دوره اول، توسعه صادرات حدود $۳۷۷/۲$ میلیون ریال بر رشد بخش صنعت اثر منفی گذارده، بدین معنا که معادل این رقم، رشد بخش صنعت را تعدیل نموده است. در دوره دوم، این منبع رشد، حدود $۱۲۶/۹$ میلیون ریال به رشد بخش صنعت کمک، و در جهت افزایش رشد آن عمل نموده است. سهم توسعه صادرات در رشد صنعتی کشور طی دوره‌های موردنظر به ترتیب معادل $۰/۰۸$ ، درصد و $۰/۰۱$ درصد بوده است.

طی دوره اول، تغییر ساختار تقاضای داخلی با اثرگذاری مثبت بر رشد بخش صنعت به میزان $۱۱۷۱/۱$ میلیون ریال به رشد آن کمک کرده است و سهمی معادل $۰/۲۵$ درصد در افزایش رشد صنعتی کشور داشته است. در دوره دوم، این منبع رشد، با اثرگذاری منفی معادل $۸۷۶/۷$ - میلیون ریال، رشد بخش صنعت را کاهش داده است. سهم تغییر الگوی تقاضای داخلی در رشد بخش صنعت برابر با $۰/۰۸$ - درصد می‌باشد. اثرگذاری منفی تغییر در ترکیب تقاضای داخلی ناشی از آن است که در جریان رشد حاصل از دوره دوم، تقاضای داخلی کالاهایی نظیر پردازش مواد غذایی که دارای ضریب واردات پایینی می‌باشند، به سمت محصولات با ضریب واردات بالا از قبیل ماشین‌آلات و کالاهای مصرفی بادوام تغییر یافته است.

به‌طور کلی، در هر دو دوره مورد مطالعه، افزایش تقاضای داخلی بیشترین سهم را در رشد بخش صنعت کشور داشته و کمک شایانی به رشد آن نموده است.

پس از گسترش تقاضای داخلی، راهبرد جایگزینی واردات بیشترین سهم را نسبت به سایر منابع رشد داراست و گرچه سهم آن ناچیز بوده ولی در هر دو دوره اثر مثبتی بر افزایش رشد صنعت داشته است. تغییر الگوی تقاضای داخلی، طی دوره اول، اثر مثبت و در دوره دوم اثر منفی بر رشد بخش صنعت گذاشته است.

به‌طور کلی، در دوره اول، توسعه صادرات اثر منفی بر رشد صنعتی ایران داشته که این اثر در دوره دوم

مثبت شده و در جهت افزایش رشد صنعت عمل نموده است، لیکن سهم آن در رشد صنعتی کشور ناچیز و از سهم تمام منابع رشد صنعتی پایین تر می باشد.

۲-۱-۱۱. بخشهای نه (۹) گانه صنعتی

۱- صنایع غذایی: گسترش تقاضای داخلی در دوره اول (۱۳۵۸۶۸)، به میزان $۷۳۹۶۱/۵$ - میلیون ریال بر رشد صنایع غذایی کشور اثر داشته است و سهم منفی آن در این رشد، معادل $۱۰۰/۶۲۸$ درصد بوده است، ولی این اثر در دوره دوم بالغ بر $۲۱۴۲۴۲/۲$ + میلیون ریال شده که با سهم $۱۰۰/۰۶۶$ درصد به رشد زیربخش فوق کمک کرده است.

میزان کمک توسعه صادرات به رشد صنایع غذایی در دوره اول، $۰/۶$ میلیون ریال و با سهمی معادل $۰/۰۰۱$ درصد بوده است ولی این منبع رشد در دوره دوم به میزان $۱۰/۱$ - میلیون ریال و با سهم $۰/۰۴۷$ - درصد بر رشد آن اثر گذاشته است. جایگزینی واردات، در دوره اول $۴۶۰/۹$ میلیون ریال و با سهم $۰/۶۲۷$ درصد به رشد زیربخش مزبور کمک کرده است که در دوره دوم این اثر با $۱۳۲/۱$ - میلیون ریال و با سهم $۰/۰۶۲$ - درصد، رشد صنایع غذایی را تحت تأثیر منفی قرار داده است. میزان رشد صنایع غذایی در دوره اول ۷۳۵۰۰ - میلیون ریال، و در دوره دوم ۲۱۴۱۰۰ میلیون ریال بوده است.

۲- صنایع نساجی، پوشاک و چرم: گسترش تقاضای داخلی در دوره های مورد بررسی (یعنی ۱۳۵۸۶۸ و ۱۳۶۸۷۲) به ترتیب $۷۳۳۴۹/۱$ و $۱۷۳۷۹۹/۸$ میلیون ریال می باشد که با سهم های $۹۹/۷۹$ و $۱۰۰/۰۶$ درصد به رشد صنایع نساجی کشور کمک کرده است.

صنایع نساجی در دوره اول ۷۳۵۰۰ میلیون ریال و در دوره دوم ۱۷۳۷۰۰ میلیون ریال رشد داشته است.

۳- صنایع چوب و محصولات چوبی: توسعه صادرات در دوره اول حدود $۰/۳۳$ - میلیون ریال و با سهم $۰/۰۰۱$ - درصد بر رشد صنایع چوب اثر گذاشته است، در حالی که در دوره دوم این منبع رشد صنعتی، حدود $۰/۶۷$ میلیون ریال و با سهم $۰/۰۵$ + درصد به رشد صنایع مذکور کمک نموده است. گسترش تقاضای داخلی به ترتیب $۲۱۱۷۵/۴$ و $۱۲۴۰۹/۹$ میلیون ریال، و با سهم $۹۸/۹۵$ و $۱۰۰/۰۸$ درصد به رشد صنایع چوب کمک نموده است.

میزان کمک جایگزینی واردات به رشد صنایع چوب به ترتیب $۲۲۴/۶$ و $۱۰/۶$ - میلیون ریال و با سهم $۱/۰۵$ و $۰/۰۹$ - درصد می باشد.

میزان رشد صنایع چوب نیز در دوره اول ۲۱۴۰۰ و در دوره دوم ۱۲۴۰۰ میلیون ریال بوده است.

۴- صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی: توسعه صادرات طی دو دوره مورد مطالعه، به ترتیب حدود $۰/۰۴۱$ و $۲/۴$ میلیون ریال و با سهم $۰/۰۰۴$ و $۰/۰۱۲$ درصد به رشد صنایع کاغذ کمک کرده است.

جدول ۳- میزان و سهم منابع مؤثر در رشد صنایع غذایی، آشامیدنیها و دخانیات طی دوره

۱۳۵۸-۷۲

منابع	میزان کمک (ریال)		سهم (درصد)	
	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸
گسترش تقاضای داخلی	۷۳,۹۶۱,۴۸۱,۵۰۳	۲۱۴,۲۴۲,۱۸۸,۹۵۹	۱۰۰/۰۶۶۴	۱۰۰/۶۲۷۹
جایگزینی واردات	۴۶۰,۸۷۷,۲۲۵	۱۳۲,۱۲۳,۶۰۲	-۰/۰۶۱۷	-۰/۶۲۷
توسعه صادرات	۶۰۴,۲۷۸	۱۰,۰۶۵,۳۵۸	-۰/۰۰۴۷	-۰/۰۰۰۸
کل	۷۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۱۴,۰۹۹,۹۹۹,۹۹۹	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۴- میزان و سهم منابع مؤثر در رشد صنایع نساجی، پوشاک و چرم طی دوره

۱۳۵۸-۷۲

منابع	میزان کمک (ریال)		سهم (درصد)	
	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸
گسترش تقاضای داخلی	۷۳,۳۴۹,۱۵۲,۷۰۵	۱۷۳,۷۹۹,۸۳۹,۰۴۰	۱۰۰/۰۵۷۵	۹۹/۷۹۴۸
جایگزینی واردات	۵۳۰,۶۷۱,۵۰۶	۷۴,۲۲۲,۸۲۳	-۰/۰۴۲۷	-۰/۷۲۲۰
توسعه صادرات	۳۷۹,۸۲۴,۲۱۱	۲۵,۶۱۶,۲۱۶	-۰/۰۱۴۷	-۰/۵۱۶۸
کل	۷۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۷۳,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۱	۱۰۰	۱۰۰

میزان کمک جایگزینی واردات به رشد صنایع کاغذ به ترتیب ۳۱/۰۳ و ۲۶/۶۱ میلیون ریال و با سهم ۰/۲۸- و ۰/۱۴ درصد می باشد که بدین ترتیب در هر دو دوره، این منبع نیز در جهت رشد این صنعت تأثیر مطلوب داشته است. گسترش تقاضای داخلی در دوره اول حدود ۱۱۲۳۱/۰۷- و با سهم ۱۰۰/۲۷۷ درصد بر رشد صنایع مذکور تأثیر، و در دوره دوم به میزان ۱۹۱۷۰/۹۹ میلیون ریال و سهم ۹۹/۸۴۹ درصد به رشد آن کمک نموده است. میزان رشد صنایع کاغذ در دوره اول ۱۱۲۰۰ میلیون ریال و در دوره دوم بالغ بر ۱۹۲۰۰ میلیون ریال می باشد.

۵- صنایع شیمیایی، ذغال سنگ، لاستیک و پلاستیک: توسعه صادرات، در هر دو دوره، به ترتیب به میزان ۱۷/۶ و ۲۳/۹ میلیون ریال و با سهمهای ۰/۱۱ و ۰/۱۵ درصد در رشد صنایع شیمیایی کشور دخالت داشته است. جایگزینی واردات نیز به ترتیب حدود ۱۴۳۲/۵ و ۳۱۱/۵ میلیون ریال و با سهم ۰/۸۹ و ۰/۲۰ درصد به رشد صنایع شیمیایی کشور کمک نموده است. گسترش تقاضای داخلی، طی هر دو دوره، اثری مثبت بر رشد صنایع شیمیایی داشته و به ترتیب به میزان ۱۶۰۱۴۹/۹ و ۱۵۷۲۴۴/۶ میلیون

ریال و با سهم ۹۹/۱ و ۹۹/۸ درصد در رشد این صنعت دخالت داشته است.

صنایع شیمیایی، در هر دو دوره، هم از رشد مثبت برخوردار بوده و هم تمامی منابع رشد صنعتی اثری مثبت بر آن داشته و به رشد آن کمک نموده‌اند به طوری که میزان رشد صنایع شیمیایی در دوره اول ۱۶۱۶۰۰ میلیون ریال و در دوره دوم ۱۵۷۶۰۰ میلیون ریال بوده است.

جدول ۵- میزان و سهم منابع مؤثر در رشد صنایع چوب و محصولات چوبی طی دوره

۱۳۵۸-۷۲

سهم (درصد)		میزان کمک (ریال)		منابع
۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	
۱۰۰/۰۸۰۲	۹۸/۹۵۰۵	۱۲,۴۰۹,۹۳۵,۵۰۰	۲۱,۱۷۵,۴۰۸,۸۰۷	گسترش تقاضای داخلی
-۰/۰۸۵۷	۱/۰۴۹۶	-۱۰,۶۲۰,۷۰۱	۲۲۴,۶۲۴,۷۵۲	جایگزینی واردات
-۰/۰۰۵۲	-۰/۰۰۰۲	۶۷۵,۲۰۱	-۳۳,۰۶۰	توسعه صادرات
۱۰۰	۱۰۰	۱۲,۴۰۹,۰۰۰,۰۰۰	۲۱,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	کل

جدول ۶- میزان و سهم منابع مؤثر در رشد صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی طی دوره

۱۳۵۸-۷۲

سهم (درصد)		میزان کمک (ریال)		منابع
۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	
۹۹/۸۴۹	۱۰۰/۲۷۷۵	۱۹,۱۷۰,۹۹۸,۶۷۱	-۱۱,۲۳۱,۰۷۵,۸۳۳	گسترش تقاضای داخلی
۰/۱۳۸۶	-۰/۲۷۷۱	۲۶,۶۱۳,۰۴۳	۳۱,۰۳۴,۷۸۲	جایگزینی واردات
۰/۰۱۲۴	-۰/۰۰۰۴	۲,۳۸۸,۲۸۶	۴۱,۰۵۲	توسعه صادرات
۱۰۰	۱۰۰	۱۹,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	-۱۱,۱۹۹,۹۹۹,۹۹۹	کل

جدول ۷- میزان و سهم منابع مؤثر در رشد صنایع شیمیایی، ذغال سنگ، لاستیک و

پلاستیک طی دوره ۱۳۵۸-۷۲

سهم (درصد)		میزان کمک (ریال)		منابع
۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	
۹۹/۷۸۷۲	۹۹/۱۰۲۶	۱۵۷,۲۶۴,۶۳۲,۸۳۶	۱۶۰,۱۴۹,۸۵۸,۳۰۶	گسترش تقاضای داخلی
۰/۱۹۷۶	۰/۸۸۶۵	۳۱۱,۴۴۳,۸۵۵	۱,۴۳۲,۵۵۲,۳۹۸	جایگزینی واردات
۰/۰۱۵۲	۰/۰۱۰۹	۲۳,۹۰۳,۳۰۹	۱۷,۵۸۹,۲۹۶	توسعه صادرات
۱۰۰	۱۰۰	۱۵۷,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۶۱,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	کل

جدول ۸- میزان و سهم منابع مؤثر در رشد صنایع مواد کانی و غیرفلزی

طی دوره ۷۲-۱۳۵۸

منابع	میزان کمک (ریال)		سهم (درصد)	
	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲
گسترش تقاضای داخلی	۱۹۰,۷۲۹,۳۱۱,۲۶۳	۱۰۷,۷۷۰,۰۸۳,۴۷۳	۱۰۱/۵۰۵۸	۹۵/۲۸۷۴
جایگزینی واردات	۲,۸۳۱,۴۶۳,۵۱۲	۵,۳۳۰,۹۸۹,۸۲۳	-۱/۵۰۶۹	۴۸/۱۳۵
توسعه صادرات	۲,۱۵۲,۲۴۹	-۱,۰۷۳,۲۹۶	۰/۱۰۱۱	-۰/۱۰۰۹
کل	۱۸۷,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۱۳,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۶- صنایع محصولات کانی غیرفلزی: توسعه صادرات در دوره اول حدود ۲/۱۵ میلیون ریال و با سهم ۰/۱۱ درصد به رشد صنایع کانی کمک کرده است. حال آنکه، در دوره دوم، حدود ۱/۱- میلیون ریال و با سهم ۰/۰۰۹ درصد اثر منفی بر رشد این صنایع گذارده است.

در دوره اول بررسی، جایگزینی واردات به میزان ۲۸۲/۵- میلیون ریال و سهم ۱/۵۱- درصد بر رشد زیربخش مذکور، اثر منفی داشته ولی در دوره دوم، این اثر به میزان ۵۳۳۰/۹- میلیون ریال و با سهم ۴/۷۱ درصد به رشد این صنعت کمک کرده است. میزان کمک گسترش تقاضای داخلی به رشد صنایع کانی به ترتیب ۱۹۰-۷۲۹/۳ و ۱۰۷-۷۷۰/۱ میلیون ریال و با سهم‌های ۱۰۱/۵۱ و ۹۵/۲۹ درصد بوده است که می‌توان نتیجه گرفت در هر دو دوره در جهت افزایش رشد این صنایع عمل نموده است. میزان رشد صنایع کانی در دوره اول ۱۸۷۹۰۰- میلیون ریال و در دوره دوم ۱۱۳۱۰۰- میلیون ریال می‌باشد.

۷- صنایع فلزات اساسی: در دو دوره مورد بررسی، توسعه صادرات به ترتیب ۱/۵۵ و ۳۸/۸۶ میلیون ریال و با سهم‌های ۰/۲۴ و ۰/۱۲ درصد به رشد صنایع فلزات اساسی کمک کرده است. جایگزینی واردات نیز به ترتیب حدود ۲۲۲/۴ و ۲۵/۳ میلیون ریال و با سهم ۰/۳۴ و ۰/۰۸ درصد در رشد صنایع مذکور دخالت داشته است.

گسترش تقاضای داخلی به ترتیب به میزان ۶۳۶۷۵/۹ و ۳۰۸۲۳۵/۹۶ میلیون ریال و با سهم‌های ۹۹/۶۵ و ۹۹/۹۸ درصد به رشد صنایع فلزات اساسی کمک نموده است.

صنایع فلزات اساسی در هر دو دوره مورد نظر هم رشد مثبت داشته و هم اثر تمام منابع رشد بر آن مثبت بوده است و در رشد این صنایع دخالت داشته‌اند. میزان رشد صنایع فلزات اساسی در دوره اول ۶۳۹۰۰- میلیون ریال و در دوره دوم ۳۰۸۳۰۰- میلیون ریال می‌باشد.

۸- صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزار: توسعه صادرات در دوره اول حدود ۱۸/۹- میلیون ریال و با سهم ۰/۲۹ درصد بر رشد صنایع ماشین‌آلات تأثیر گذاشته است ولی در دوره دوم به میزان ۹۵/۸- میلیون ریال و با سهم ۰/۴۷ درصد به رشد این زیربخش کمک نموده است.

جایگزینی واردات در دوره اول به میزان ۲۲۴۹/۸ میلیون ریال و با سهم ۴/۹۷ درصد به رشد صنایع ماشین‌آلات کمک نموده ولی در دوره دوم حدود ۱۲۴۶/۹- میلیون ریال و با سهم ۰/۶۱- درصد بر رشد آن اثر منفی گذارده است.

گسترش تقاضای داخلی، در هر دو دوره، به ترتیب ۶۲۱۶۹/۱ و ۲۰۴۹۵۱/۱ میلیون ریال و با سهم‌های ۹۵/۰۶ درصد و ۱۰۰/۵۶ درصد در رشد زیربخش مذکور دخالت داشته است و عملکرد آن در جهت افزایش میزان رشد صنایع یاد شده، می‌باشد. میزان رشد صنایع ماشین‌آلات در دوره اول ۶۵۴۰۰ میلیون ریال و در دوره دوم ۲۰۳۸۰۰ میلیون ریال است.

۹- صنایع متفرقه (سایر صنایع تولیدی): توسعه صادرات، در دوره اول، حدود ۰/۳۶- میلیون ریال و با سهم ۰/۰۱- درصد، رشد صنایع متفرقه را متأثر ساخته است ولی در دوره دوم به اندازه ۱/۹۷ میلیون ریال و با سهم ۰/۰۵ درصد به رشد آن کمک کرده است و کارکرد آن در جهت افزایش رشد زیربخش یاد شده عمل نموده است. جایگزینی واردات در دوره اول، حدود ۲۲۱/۸ میلیون ریال و با سهم ۷/۳۹ درصد در رشد صنایع متفرقه دخالت داشته است ولی در دوره دوم به اندازه ۱۳۴/۴- میلیون ریال با سهم ۳/۴۵- درصد بر رشد زیربخش مذکور اثر منفی گذارده است.

جدول ۹- میزان و سهم منابع مؤثر در رشد صنایع فلزات اساسی طی دوره ۱۳۵۸-۷۲

منابع	میزان کمک (ریال)		سهم (درصد)	
	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲
گسترش تقاضای داخلی	۶۲,۶۷۵,۹۹۶,۷۱۴	۳۰۸,۲۳۵,۸۵۶,۹۷۳	۹۹/۶۴۹۴	۹۹/۹۷۹۲
جایگزینی واردات	۲۲۲,۴۵۳,۱۸۷	۲۵,۲۸۶,۸۰۵	۰/۳۴۸۱	۰/۰۰۸۲
توسعه صادرات	۱,۵۵۰,۰۹۹	۳۸,۸۵۶,۲۲۲	۰/۰۰۲۴	۰/۰۱۲۶
کل	۶۲,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۰۸,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۱۰- میزان و سهم منابع مؤثر در رشد صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و

محصولات فلزی طی دوره ۱۳۵۸-۷۲

منابع	میزان کمک (ریال)		سهم (درصد)	
	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲
گسترش تقاضای داخلی	۶۲,۱۶۹,۱۴۶,۱۸۷	۲۰۴,۹۵۱,۰۵۱,۶۲۳	۹۵/۰۵۹۹	۱۰۰/۵۶۴۸
جایگزینی واردات	۳,۲۴۹,۷۹۱,۵۱۷	۱,۲۴۶,۹۰۳,۶۸۷	۴/۹۶۹۱	۰/۶۱۱۸
توسعه صادرات	۱۸,۹۲۷,۶۰۴	۹۵,۸۵۲,۰۶۵	۰/۰۲۹	۰/۰۴۷۰
کل	۶۵,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۳,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۱	۱۰۰	۱۰۰

گسترش تقاضای داخلی، در دوره اول، حدود ۲۷۷۸/۵ میلیون ریال و با سهم ۹۲/۶۲ درصد به رشد صنایع متفرقه کمک کرده است، لیکن در دوره دوم به اندازه ۳۷۶/۵- میلیون ریال و با سهم ۹۶/۶ درصد بر رشد صنایع مذکور اثر منفی داشته و رشد آن را تعدیل نموده است. میزان رشد صنایع متفرقه در دوره اول ۳۰۰۰ میلیون ریال و در دوره دوم ۳۹۰۰ میلیون ریال می‌باشد.

جدول ۱۱- میزان و سهم منابع مؤثر در رشد صنایع متفرقه و سایر صنایع تولیدی طی دوره ۷۲-۱۳۵۸

منابع	میزان کمک (ریال)		سهم (درصد)	
	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۵۸-۶۸	۱۳۶۸-۷۲
گسترش تقاضای داخلی	۲,۷۷۸,۵۴۳,۲۰۶	۳,۷۶۷,۵۲۲,۲۸۰	۹۲/۶۱۸۱	۹۶/۶۳۱
جایگزینی واردات	۲۲۱,۸۲۱,۰۲۶	۱۳۴,۴۵۰,۴۴۹	۷/۳۹۴	۳/۴۴۷۴
توسعه صادرات	۳۴۴,۲۳۲	۱,۹۷۲,۷۳۰	-۰/۰۱۲۱	-۰/۰۵۰۶
کل	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۸۹۹,۹۹۹,۹۹۹	۱۰۰	۱۰۰

درخصوص زیربخشهای صنعت، جایگزینی واردات به جز در مورد صنایع کانی غیرفلزی (که اثر منفی بر آن گذاشته)، در دوره اول مورد بررسی (۱۳۵۸-۶۸) بر رشد تمام زیربخشهای صنعت کشور اثر مثبت داشته و به رشد آنها کمک کرده است. لیکن در دوره دوم، این منبع رشد بر صنایع غذایی، نساجی، چوب، ماشین‌آلات و صنایع متفرقه اثر منفی داشته و رشد آنها را تعدیل نموده، ولی بر رشد چهار زیربخش دیگر اثری مثبت گذارده است.

توسعه صادرات، در دوره اول، بر زیربخشهای صنایع غذایی، کاغذ، شیمیایی، کانی غیرفلزی و فلزات اساسی اثر مثبت داشته و به رشد آنها کمک نموده ولی بر رشد بقیه زیربخشهای صنایع متفرقه اثر منفی گذاشته است. توسعه صادرات، در دوره دوم مورد بررسی بر صنایع چوب، کاغذ، شیمیایی، فلزات اساسی، ماشین‌آلات و صنایع متفرقه اثر مثبت و بر سایر زیربخشها اثر منفی داشته است.

گسترش تقاضای داخلی، در دوره اول مورد بررسی، به جز صنایع غذایی و کاغذ، بر رشد سایر زیربخشهای صنعت کشور اثر مثبت گذارده است و در دوره دوم، به جز در مورد صنایع متفرقه (که اثر منفی بر آن گذاشته)، بر رشد تمام زیربخشهای صنعت کشور اثری مثبت گذارده است.

۱۲. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در برآورد مدل ارایه شده، که میزان رشد بخش صنعت کشور و همچنین زیربخشهای آن را از مجرای منابع رشد صنعتی اندازه‌گیری می‌نماید، ملاحظه می‌گردد که در هر دو دوره مورد بررسی یعنی دوره

(۱۳۵۸-۶۸) و دوره (۱۳۶۸-۷۲) رشد این بخش از ناحیه مجموع منابع مذکور، مثبت می‌باشد و آثار توسعه صادرات، جایگزینی واردات، گسترش تقاضای داخلی و تغییر ترکیب تقاضا، در مجموع، در هر دو دوره مورد بررسی به رشد بخش صنعت کمک کرده‌اند.

میزان رشد بخش صنعت از ناحیه مجموع منابع رشد، طی دوره دوم مورد بررسی یعنی سالهای برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۷۲)، به مراتب بیشتر از آن برای دوره اول (۱۳۵۸-۶۸) بوده به نحویکه حدود ۲/۵ برابر دوره اول می‌باشد.

توسعه صادرات، طی دوره اول (۱۳۵۸-۶۸)، اثری منفی بر رشد صنعتی کشور گذارده ولی در دوره دوم (۱۳۶۸-۷۲) اثری مثبت بر رشد بخش صنعت گذاشته است و به رشد آن کمک نموده است. جایگزینی واردات، در هر دو دوره مورد بررسی، در رشد بخش صنعت دخالت داشته و بر آن اثر مثبت گذارده است.

تغییر ساختار تقاضای داخلی، در دوره اول، کمک مثبتی به رشد صنعت نموده ولی در دوره دوم بر رشد صنعت کشور اثر منفی گذاشته است.

گسترش تقاضای داخلی، در هر دو دوره، اثری مثبت بر رشد صنعت داشته است و با توجه به اینکه میزان کمک افزایش تقاضای داخلی به رشد بخش صنعت در هر دو دوره قابل توجه بوده و از سهم بالایی نسبت به سایر منابع رشد برخوردار می‌باشد (بیش از ۹۹٪)، رشد صنعت ایران در هر دو دوره به نسبت بیشتری متکی و متوجه تقاضای داخلی بوده است و در واقع این اثر بیشترین میزان کمک را در رشد صنعتی ایران داشته است. پس از افزایش تقاضای داخلی، در طی هر دو دوره مورد بررسی، اثر جایگزینی واردات از سهم نسبی بیشتری در رشد بخش صنعت برخوردار بوده و بالاخره توسعه صادرات صنعتی کمترین سهم را در رشد بخش صنعت به خود اختصاص داده است.

میزان رشد نه زیربخش صنعت از مجرای منابع رشد صنعتی، طی دوره اول، به جز در بخشهای صنایع غذایی، آشامیدنیها و دخانیات و نیز صنایع کاغذ، چاپ و صحافی که منفی بوده‌اند، برای سایر صنایع کشور مثبت بوده و در دوره دوم، به جز صنایع متفرقه (با رشد منفی)، سایر صنایع کشور دارای رشد مثبت بوده‌اند. به علاوه، در دوره مربوط به برنامه اول توسعه، سهم آثار یاد شده قابل توجه‌تر از آن برای دوره اول می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که منابع رشد، در مجموع برای سالهای برنامه اول توسعه (دوره دوم مورد بررسی)، اثر مطلوبتری بر رشد صنایع کشور گذارده و کارکرد نسبی بهتری داشته است.

رشد منفی صنایع غذایی و نیز صنایع کاغذ در دوره اول، هر دو ناشی از اثر منفی افزایش تقاضای داخلی بر رشد آنها بوده است. توسعه صادرات صنعتی، در دوره اول (۱۳۵۸-۶۸) بر صنایع غذایی، آشامیدنیها و دخانیات، صنایع کاغذ، چاپ و صحافی، صنایع شیمیایی، لاستیک و پلاستیک، صنایع مواد کانی غیرفلزی و صنایع فلزات اساسی، اثر مثبتی داشته و به رشد آن صنایع کمک کرده ولی بر رشد سایر صنایع، اثر منفی گذاشته است. توسعه صادرات صنعتی در دوره دوم (۱۳۶۸-۷۲) به رشد صنایع چوب و

محصولات چوبی، صنایع کاغذ، چاپ و صحافی، صنایع شیمیایی، صنایع فلزات اساسی، صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزار و محصولات فلزی و صنایع متفرقه کمک نموده ولی بر رشد صنایع غذایی و صنایع نساجی اثر منفی گذارده است. بنابراین، توسعه صادرات محصولات صنعتی در طی دوره دوم مورد بررسی از نظر اثرگذاری بر رشد صنایع کشور، از کارکرد بهتری نسبت به دوره اول برخوردار بوده است. جایگزینی واردات، طی دوره اول، به جز صنایع مواد کانی غیرفلزی، به رشد سایر صنایع کشور کمک مثبت کرده است و این اثر در دوره دوم به رشد صنایع کاغذ، چاپ و صحافی، صنایع شیمیایی، لاستیک و پلاستیک، صنایع مواد کانی غیرفلزی و صنایع فلزات اساسی کمک نموده ولی بر رشد سایر صنایع کشور اثر منفی داشته است. همچنین سهم نسبی این منبع، در دوره اول، برای اکثر صنایع ملموس‌تر می‌باشد. لذا جایگزینی واردات در دوره اول مورد بررسی نسبت به دوره دوم از عملکرد بهتری در تأثیرگذاری بر رشد صنایع کشور برخوردار بوده است. این منبع در سالهای اخیر، بر رشد صنایع کشور اثر چندانی نداشته است.

افزایش تقاضای داخلی طی دوره اول، به جز صنایع غذایی و صنایع کاغذ، به رشد سایر صنایع کشور کمک نموده است. این اثر در دوره دوم، به جز صنایع متفرقه (با اثر منفی) بر رشد تمام صنایع ایران اثر مثبت داشته و کمک آن به رشد صنایع کشور نسبت به دوره اول، بیشتر و دارای اثر مطلوب‌تری می‌باشد. به علاوه، در این دوره، سهم گسترش تقاضای داخلی در رشد تمام زیربخشهای صنعت کشور نسبت به سایر منابع رشد صنعتی، قابل توجه‌تر می‌باشد. رشد صنایع کشور در هر دو دوره مورد بررسی، به شدت متکی به افزایش تقاضای داخلی بوده است.

همانند روندی که در کل بخش صنعت ملاحظه گردید، بعد از افزایش تقاضای داخلی، جایگزینی واردات سهم نسبی بالاتری در رشد زیربخشهای صنعت کشور داشته است. در حالیکه، توسعه صادرات صنعتی کمترین سهم را در رشد صنایع دارا می‌باشد.

مقایسه سهم هر یک از منابع رشد در رشد بخش صنعت کشور، در دوره‌های مورد بررسی، نشان می‌دهد که سهم اثر گسترش تقاضای داخلی در طی دوره دوم با افزایش مواجهه بوده است. جایگزینی واردات، اگرچه در هر دو دوره دارای اثری مثبت بر رشد بخش صنعت بوده، لیکن طی دوره دوم، سهم نسبی آن با کاهش مواجه شده است. توسعه صادرات محصولات صنعتی، در دوره دوم از سهم مثبتی برخوردار می‌باشد و با اینکه میزان کمک آن به رشد بخش صنعت محدود می‌باشد، لیکن کارکرد بهتری نسبت به دوره اول (با اثر منفی بر رشد بخش صنعت) از خود نشان داده است.

به‌طور کلی، رشد بخش صنعت ایران، متوجه و متکی به گسترش تقاضای داخلی می‌باشد و صادرات محصولات صنعتی به میزان نسبتاً ناچیزی به رشد بخش صنعت کمک کرده است، به‌طوری‌که اگرچه اثر آن طی دوره دوم یعنی دوره (۱۳۶۸-۲۲) نسبت به دوره اول مثبت است، ولی سهم آن ناچیز است (۰/۱۱ درصد).

در دوره دوم یعنی سالهای اجرای برنامه اول توسعه، اگرچه رشد بخش صنعت کشور متکی به صادرات صنعتی نبوده است، لیکن هم میزان رشد بخش صنعت و زیربخشهای آن نسبت به دوره اول قابل توجه تر بوده و هم توسعه صادرات صنعتی از عملکرد نسبی بهتری برخوردار بوده است.

تجارب جهانی نشان می‌دهد که امروزه، امر تجارت خارجی اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد کشورها و توسعه آنها دارد و گسترش دامنه مبادلات خارجی از رشد شتابنده‌ای برخوردار است. در این میان، رشد تجارت محصولات صنعتی نسبت به سایر کالاها پیشی گرفته که دال بر این است که افزایش رشد تولید و صدور محصولات صنعتی دارای نقش تعیین‌کننده‌ای است. بنابراین، توجه جدی به این نکته در اقتصاد ایران که راه و مسیر صنعتی شدن را پیش‌رو دارد، مهم تلقی می‌شود.

تجربه کشورهایی که در دهه‌های اخیر، الگوی توسعه آنها به عنوان نمونه‌های موفق جهان تلقی می‌گردد، نشان می‌دهد که توسعه آنها بر مبنای گسترش صادرات شکل گرفته است و چنانچه راهبرد جایگزینی واردات آنها در قالب حمایت‌های دولتی مطرح بوده، این حمایت نیز در جهت گسترش صادرات بوده است. لذا حمایت‌های تجاری کشور ما نیز بایستی هدفمند و در جهت گسترش صادرات کشور و افزایش سهم کشور در تجارت جهانی، البته با رعایت الزامات خاص اقتصاد کشور، باشند.

به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در بخش صنعت، به‌ویژه در طی سالهای برنامه اول توسعه، این بخش همچنان از کمبود سرمایه‌گذاری، به‌ویژه از جانب بخش خصوصی رنج می‌برد. بنابراین، جلب مشارکت هرچه بیشتر بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری‌های مولد در بخش صنعت، مهم تلقی می‌گردد. این بررسی نشان می‌دهد که تجارت خارجی کشور در بخش صنعت، یک‌سوی‌تر بوده و عمدتاً توجه به واردات و راهبرد جایگزینی واردات، آن هم به شکل ناقص و غیرکارا، مطمح نظر بوده است و توجه مؤثر و پویایی به گسترش صادرات صنعتی نشده است. بنابراین، بر شناخت ابزارهای سازگار با زاهدرد توسعه صادرات در بخش صنعت کشور، تأکید می‌شود.

در سالهای اخیر، از میان زیربخشهای صنعت، گروه صنایع چوب و محصولات چوبی، صنایع غذایی، آشامیدنیها و دخانیات، صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزار، صنایع شیمیایی و صنایع نساجی بیشترین میزان رشد را از ناحیه توسعه صادرات صنعتی داشته‌اند. بنابراین، در برنامه‌ریزیها و سیاست‌گذاریهای بلندمدت بخش صنعت، جهت گسترش دامنه رشد صنعتی از مجرای توسعه صادرات، توجه ویژه به بخشهای مذکور الزامی است. در این خصوص، به ترتیب صنایع چوب و محصولات چوبی، صنایع غذایی، آشامیدنیها و دخانیات، صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات و ابزار، از اهمیت نسبی بالایی برخوردار می‌باشند. قوانین و مقررات تجارت خارجی کشور، بیشتر در جهت گسترش واردات و تسهیل شرایط واردات عمل نموده و حمایتها و تشویقها بیشتر به سمت واردات و در راستای صنایع داخلی و به جهت تأمین تقاضای داخلی بوده است. این مقررات بایستی به‌نحوی متحول و مورد تجدیدنظر واقع گردند که جهت‌گیری صادراتی صنایع کشور را دربرداشته و صنایع کشور را متوجه تأمین تقاضای خارج (صادرات)

محصولات صنعتی) بنماید. توجه ویژه به این جنبه از سیاستهای بازرگانی کشور برای افزایش رشد بخش صنعت از طریق توسعه صادرات بخش، امری مهم می‌باشد، که شایان توجه و اقدام جدی است.

منابع

- ۱- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ایران، سالهای مختلف.
- ۲- گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمارنامه بازرگانی خارجی کشور، سالهای مختلف.
- ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ترازنامه و گزارش اقتصادی، سالهای مختلف.
- ۴- مایر، جرالدم، از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران، نشر میترا، ۱۳۷۵.
- ۵- باری یر، ج. اقتصاد ایران، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی ایران، تهران، ۱۳۶۳.
- ۶- سازمان برنامه و بودجه، برنامه‌های عمرانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی.
- ۷- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، قانون مقررات صادرات و واردات، سالهای مختلف.
- 8- Gerald k. Helleiner (ed.), "Trade Policy, Industrialization and Development", Oxford: Claredan Press, 1992.
- 9- Chris Milner (ed.), "Export Promotion Strategies, Theory and Evidence from Developing Countries", New York: Harvester Wheat Sheaf, 1990.
- 10- United Nations, "Trade Development Report".
- 11- Meier, G. Leading Issues in Economic Development, 1984.
- 12- Hirschman, A.O., "The Strategy of Economic Development", New Haven, Yale University Press, 1958.
- 13- Tizhoosh-Taban, M.H., "Protection and the Cost of Protection, A Case Study for Iran", Ph.D. Dissertation, Lancaster University, May 1980.
- 14- Kavoussi, Rostam M., "Trade Policy and Industrialization in An Oil-Exporting Country", the Journal of Development Area, July 20, 1986.
- 15- Boneli, Regis, "Growth and Productivity in Brazilian Industries, Impact of Trade Orientation", Journal of Development Economies, No.39, 1992.
- 16- Industry and Development Global Report, Unido, 1990, 1991.
- 17- Trade Policy and Industrial in Turbuland, London, 1994.
- 18- UNIDO. Industrial Restructuring Policies in Developing Countries, U.N., 1988.

- 19- World Bank, "Trade and Industrial Policies in the Developing Countries of East Asia", Washington D.C., 1988.
- 20- The World Bank, "Republic of Iran: An Agenda for Trade Reform", August 4, 1992.P.29.
- 21- IMF, Direction of Trade Statistics Yearbook, 1993 Washington, D.C: IMF Pub, 1993.
- 22- GATT, Focus: GATT News Letter, No. 69, March 1990.
- 23- United Nations, ESCAP, "Industrial Restructuring in Asia and the Pacific", UN Bangkok, Thailand, 1991.
- 24- World Bank, World Development Report 1993, Oxford University Press, 1993.
- 25- Chenery, Hollis and Syrquin, Moises, "Pattern of Development", 1950-1970, New York, Oxford University Press for the World Bank, 1978.
- 26- Dommar, Evsey D., "Essays in the Theory of Economic Growth", NewYork, Oxford University Press, 1960.